

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و

نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه

متعلق به دانشگاه رازی است.



دانشکده علوم اجتماعی

گروه علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته ی علوم سیاسی

عنوان پایان نامه

مقایسه تطبیقی جایگاه عدالت در نظریه توسعه از دیدگاه اسلام و لیبرالیسم

(با تکیه بر نظریات امام خمینی (ره) و جان رالز)

استاد راهنما:

دکتر محمد ابوالفتحی

استاد مشاور :

دکتر سید شمس الدین صادقی

نگارش:

محمد دشتی

شهریور ماه ۱۳۹۱

چکیده

لزوم تدوین الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، چندی است که در محافل سیاسی و علمی کشور به گوش می رسد و در این میان جایگاه عدالت در این الگو یکی از مباحث بحث برانگیز موجود است، پاسخ گویی به این سؤال که در صورت تراحم عدالت و توسعه کدامیک را باید بر دیگری مقدم کرد، سوال اساسی ای است که پاسخ به آن در تدوین این الگو راهگشا خواهد بود. لکن وجود تعاریف متعدد و برداشت های مختلف از دو واژه توسعه و عدالت خود باعث پیچیدگی بیشتر گردیده که مباحث نظری فراوانی را می طلبد، لذا پس از آنکه در فصل اول به بیان کلیات بحث پرداخته شده است در فصل های دوم و سوم به ترتیب همت مؤلف مصروف به این گردیده است که تعاریف این اصطلاحات را روشن گرداند. در فصل های چهارم و پنجم نیز به ترتیب دیدگاه های اسلام و لیبرالیسم را در خصوص این دو مفهوم بیان کرده و به نسبت بین آن دو توجه نموده است و این مهم با تکیه بر نظریات امام خمینی (ره) و جان رالز صورت پذیرفته است، در نهایت مؤلف در فصل ششم به مقایسه این دو دیدگاه و نتیجه گیری از آن پرداخته است. لیبرالیسم با توجه به رویکردش دو گروه کلی لیبرالیسم برابری طلب و اختیار گرایی قابل تقسیم است و جان رالز به عنوان مشهورترین نماینده دیدگاه لیبرالیسم برابری طلب مطرح بوده که با بررسی دیدگاه های امام خمینی (ره) و رالز باوجود تفاوت های بسیار عمیق در مبانی اسلام و لیبرالیسم مشابهت هایی نیز در خصوص اهمیت عدالت در جامعه از دیدگاه اسلام و لیبرالیسم برابری طلب قابل مشاهده است. اما نظریات اختیارگرایان در خصوص عدالت چه از نظر مبانی و چه از نظر ظواهر در تقابل با دیدگاه اسلام قرار می گیرد.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول: طرح تحقیق

۲-۱-۱.مقدمه.....	۲
۲-۱.۲.اهمیت موضوع.....	۲
۳-۱.۳.اهداف پژوهش.....	۳
۴-۱.۴.سوابق و ادبیات تحقیق.....	۳
۴-۱.۵.سوال اصلی.....	۴
۴-۱.۶.فرضیه.....	۴
۴-۱.۷.عملیاتی کردن مفاهیم.....	۴
۵-۱.۸.ابزار گردآوری.....	۵
۵-۱.۹.سازماندهی تحقیق.....	۵

فصل دوم: چارچوب نظری تحقیق

۹-۲.۱.اقسام عدالت.....	۹
۱۱-۲.۲.نسبت عدالت با فضایل اجتماعی دیگر.....	۱۱
۱۲-۲.۳.نسبت الزامات عدالت با الزامات دیگر.....	۱۲
۱۳-۲.۴.مبدأ درک ما از عدالت.....	۱۳
۱۴-۲.۵.غایت گرایی یا وظیفه گرایی.....	۱۴
۱۵-۲.۶.عدالت در اندیشه فیلسوفان کلاسیک.....	۱۵
۱۶-۲.۶-۱.نظریه عدالت افلاطون.....	۱۶
۱۷-۲.۶-۲.نظریه عدالت ارسطو.....	۱۷
۱۸-۲.۶-۳.نظریه عدالت فارابی.....	۱۸
۱۹-۲.۷.عدالت از دیدگاه کانت.....	۱۹
۲۱-۲.۸.عدالت در اندیشه فیلسوفان قرن بیستم.....	۲۱
۲۱-۲.۸-۱.رویکرد رالز.....	۲۱

- ۲۲..... ۲-۸-۲. رویکرد نوزیک
- ۲۴..... ۳-۸-۲. رویکرد هایک
- ۲۵..... ۴-۸-۲. رویکرد والتزر
- ۲۶..... ۵-۸-۲. رویکرد مکین تایر
- ۲۶..... ۱۰-۲. معرفی و نقد نظریه های عدالت اقتصادی

فصل سوم: نقد و بررسی نظریه های توسعه

- ۲۹..... ۱-۳. مفهوم شناسی توسعه
- ۳۱..... ۲-۳. سیر تحول مفهومی و نظری توسعه
- ۳۱..... ۱-۲-۳. ریشه و منشأ و تفسیرهای اولیه از توسعه
- ۳۲..... ۲-۲-۳. تحلیل ها و تجویزهای ایدئولوژیک برای جهان سوم
- ۳۳..... ۳-۲-۳. انتقادات رادیکال به ادبیات کلاسیک توسعه
- ۳۴..... ۴-۲-۳. نگرش های جدید پیرامون توسعه
- ۳۵..... ۵-۲-۳. مؤلفه ها، معیارها و تعاریف دیگر برای توسعه
- ۳۶..... ۶-۲-۳. توسعه انسانی
- ۳۷..... ۷-۲-۳. توسعه در دوران پست مدرن
- ۴۰..... ۳-۳. ابعاد توسعه
- ۴۰..... ۱-۳-۳. توسعه اقتصادی
- ۴۰..... ۲-۳-۳. توسعه فرهنگی
- ۴۱..... ۳-۳-۳. توسعه سیاسی
- ۴۱..... ۴-۳. دسته بندی رویکردهای توسعه
- ۴۲..... ۵-۳. توسعه ناموزون
- ۴۲..... ۶-۳. توسعه و نابرابری
- ۴۴..... ۱-۶-۳. پارادایم جدید توسعه راه حلی برای مشکل نابرابری
- ۴۵..... ۷-۳. طبقه بندی الگوهای توسعه
- ۴۶..... ۱-۷-۳. الگوی هسته در حال گسترش سرمایه داری

- ۳-۷-۲. الگوی ساختار گرا..... ۴۷
- ۳-۷-۳. الگوی نئومارکسیسم..... ۴۷
- ۳-۷-۴. تحلیل های وابستگی..... ۴۸
- ۳-۷-۵. الگوی مائوئیسم..... ۴۸
- ۳-۷-۶. الگوی توسعه ای نئوکلاسیک..... ۴۸
- ۳-۷-۷. الگوی نیازهای اساسی..... ۴۸

فصل چهارم: دیدگاه های اسلام درباره عدالت و توسعه اقتصادی با تکیه بر نظریات امام خمینی(ره)

- ۴-۱. عدالت در اندیشه امام علی(ع)..... ۵۳
- ۴-۱-۲. مولفه های عدالت از دیدگاه امام..... ۵۴
- ۴-۲. عدالت در اندیشه فقهای مسلمان..... ۵۵
- ۴-۳. عدالت از منظر امام خمینی(ره)..... ۵۹
- ۴-۳-۱. کاربرد واژه عدالت در ادبیات امام..... ۵۹
- ۴-۳-۲. جایگاه عدالت در اندیشه امام..... ۶۰
- ۴-۳-۳. مفهوم عدالت در نگرش فلسفی، کلامی و عرفانی امام خمینی (ره)..... ۶۲
- ۴-۳-۴. عدالت صفت حق تعالی و انسان کامل..... ۶۲
- ۴-۳-۵. عدالت غایت کمال انسان و مقصد شریعت..... ۶۳
- ۴-۳-۶. عدالت به عنوان معیاری در استنباط قوانین الهی..... ۶۵
- ۴-۴. عدالت فردی در دیدگاه امام..... ۶۷
- ۴-۵. عدالت اجتماعی در دیدگاه امام..... ۶۸
- ۴-۶. عدالت اقتصادی از دیدگاه امام..... ۶۹
- ۴-۶-۱. حمایت از محرومین و مستضعفان:..... ۷۰
- ۴-۶-۲. عدم پذیرش شکاف شدید طبقاتی:..... ۷۳
- ۴-۶-۳. رویکرد کلی امام در زمینه اقتصاد:..... ۷۵
- ۴-۷. نیازهای اساسی در اندیشه امام خمینی (ره)..... ۷۸
- ۴-۶-۲. امام و نزدیکی به الگوی نیازهای اساسی در اقتصاد توسعه..... ۸۰

- ۸-۴. چکیده نظریات امام در خصوص بحث عدالت..... ۸۵
- ۹-۴. توسعه از منظر اسلام..... ۸۷
- ۱-۹-۴. تعریف توسعه..... ۸۷
- ۲-۹-۴. شاخص های توسعه از دیدگاه اسلام..... ۸۹
- ۱۰-۴. تحلیل مبانی توسعه در اسلام..... ۹۰
- ۱-۱۰-۴. مبانی هستی شناسی..... ۹۰
- ۲-۱۰-۴. مبانی انسان شناسی..... ۹۱
- ۳-۱۰-۴. مبانی جامعه شناسی..... ۹۲
- ۱۱-۴. توسعه از منظر امام خمینی (ره)..... ۹۳
- ۱-۱۱-۴. اهداف توسعه از دیدگاه امام (ره)..... ۹۵
- ۱-۱۱-۴. انسان محور توسعه..... ۹۵
- ۲-۱۱-۴. امام، توسعه و دین (توسعه معنوی)..... ۹۶
- ۱۲-۴. توسعه فرهنگی..... ۹۸
- ۱-۱۲-۴. تعلیم و تربیت اسلامی..... ۹۸
- ۲-۱۲-۴. استقلال فرهنگی..... ۹۸
- ۳-۱۲-۴. علم، تخصص، خلاقیت و فن آوری..... ۹۹
- ۱۳-۴. توسعه سیاسی..... ۹۹
- ۱-۱۳-۴. استقرار حکومت اسلامی..... ۱۰۰
- ۲-۱۳-۴. ایجاد امنیت..... ۱۰۱
- ۳-۱۳-۴. حاکمیت قانون..... ۱۰۱
- ۴-۱۳-۴. نظارت و مشارکت مردم..... ۱۰۲
- ۵-۱۳-۴. استقلال ملی و همه جانبه..... ۱۰۲
- ۶-۱۳-۴. وحدت نیروهای درون نظام و اتحاد امت اسلامی (تشکیل امت واحده اسلامی)..... ۱۰۳
- ۷-۱۳-۴. اخوت کارگزاران و مردم..... ۱۰۳
- ۸-۱۳-۴. آزادی..... ۱۰۴
- ۱۴-۴. توسعه اقتصادی..... ۱۰۴

۱۰۷.....۱۵-۴. توسعه و عدالت از دیدگاه امام.....

فصل پنجم: بررسی دیدگاه های لیبرالیستی درباره عدالت و توسعه اقتصادی با تکیه بر نظریات جان

رالز

۱۱۰.....۱-۵. لیبرالیسم.....

۱۱۱.....۲-۵. اختیار گرایی.....

۱۱۲.....۳-۵. لیبرالیسم برابری طلب.....

۱۱۴.....۴-۵. جامعه گرایی (جماعت گرایی).....

۱۱۴.....۵-۵. اهمیت و جایگاه نظریه رالز.....

۱۱۵.....۶-۵. شخصیت رالز و بحران موجد نظریه پردازی او.....

۱۱۶.....۷-۵. روش شناسی رالز.....

۱۲۰.....۱-۷-۵. رالز کانت گرایی، و نقد فایده گرایی.....

۱۲۸.....۸-۵. تبیین نظریات رالز.....

۱۲۸.....۱-۸-۵. وضعیت اولیه.....

۱۳۰.....۲-۸-۵. پرده جهل (پرده غفلت).....

۱۳۳.....۳-۸-۵. خیرات اولیه.....

۱۳۴.....۴-۸-۵. دو اصل عدالت.....

۱۳۵.....۵-۸-۵. جایگاه عدالت نسبت به آزادی.....

۱۳۶.....۶-۸-۵. رئوس دیدگاه های رالز.....

۱۳۷.....۹-۵. دستاورد نظریه رالز:.....

۱۳۹.....۱۰-۵. تحلیل مبانی توسعه در لیبرالیسم.....

۱۳۹.....۱-۱۰-۵. مبانی هستی شناسی.....

۱۳۹.....۲-۱۰-۵. مبانی انسان شناسی.....

۱۴۰.....۳-۱۰-۵. مبانی جامعه شناسی.....

۱۴۰.....۱۱-۵. جامعه بسامان در دیدگاه رالز.....

۱۴۲.....۱۲-۵. نسبت جامعه بسامان و جامعه توسعه یافته.....

فصل ششم: مقایسه و نتیجه گیری

- ۱-۶. مقایسه مبانی نظری دیدگاه های امام خمینی (ره) و جان رالز..... ۱۴۴
- ۱-۶-۱. اسلام و لیبرالیسم..... ۱۴۴
- ۱-۶-۲. مبانی معرفت شناسی امام و رالز..... ۱۴۴
- ۱-۶-۳. مبانی انسان شناسی امام خمینی (ره) و رالز..... ۱۴۵
- ۱-۶-۴. مبانی هستی شناسی امام و رالز..... ۱۴۶
- ۱-۶-۵. مبانی جامعه شناسی امام و رالز..... ۱۴۶
- ۲-۶. نقد دیدگاه رالز با تکیه بر مبانی اسلامی..... ۱۴۷
- ۳-۶. مقایسه دیدگاه های امام خمینی (ره) و جان رالز..... ۱۵۴
- ۳-۶-۱. حوزه عدالت..... ۱۵۴
- ۳-۶-۲. حوزه توسعه..... ۱۵۴
- ۳-۶-۳. نسبت عدالت و توسعه..... ۱۵۵
- ۴-۶. نتیجه گیری نهایی..... ۱۵۶
- منابع..... ۱۵۷

فصل اول

طرح تحقیق

۱-۱. مقدمه

ضرورت تبیین نظریه های گوناگون اسلامی به منظور ارائه راهکارها در جهت سعادت و رفاه انسان از یکسو و ناکارآمدی انواع نظریات توسعه لیبرالیسی و مارکسیستی که نیازهای اخلاقی و عدالت انسانی را به فراموشی سپرده اند؛ از سوی دیگر، لزوم ارائه الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی را پیش روی ما نهاده است. اختلاف اساسی میان الگوهای توسعه معاصر و الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی به ویژه از مبانی متفاوت انسان شناختی، معرفت شناسی و هستی شناسی آن ها نشأت گرفته است. از آنجا که جایگاه عدالت در این الگو به عنوان یک سوال اساسی مطرح می باشد، هدف اصلی این تحقیق پرداختن به پاسخ این سوال در یک مقایسه تطبیقی با دیدگاه های لیبرالیستی علی الخصوص لیبرالیسم برابری طلب به نمایندگی جان رالز می باشد. الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی با لحاظ نمودن نیازهای مادی و معنوی انسان، اجرای احکام الهی و حفظ ارزش های اخلاقی و انسانی، افزایش رفاه و پیشرفت سیاسی و اقتصادی همگام با عدالت و رفع فقر فرمول بندی می شود. اصالت تکامل در مقابل اصالت سود و لذت و رسیدن به حیات طیبه در برابر رفاه اهداف الگوی اسلامی و لیبرالیسی را از هر نظر متفاوت کرده است. به منظور استخراج نظرات فقهی در تبیین جایگاه عدالت به طور خاص از نظریات امام خمینی (ره) استفاده شده است. با وجود اهداف غایی متفاوت، گاه اهداف میانی و معمولی مشترک در دو دیدگاه اسلامی و لیبرالیسم برابری طلب مشاهده می گردد، اهتمام در برطرف نمودن نیازهای اساسی و افزایش سطح رفاه عمومی افراد جامعه هدف مشترک هر دو دیدگاه است.

۱-۲. اهمیت موضوع

احساس نیاز به تدوین یک الگوی بومی توسعه و پیشرفت بر اساس معیارهای دینی و مطابق با فرهنگ ایرانی از ابتدای انقلاب تا کنون و همچنین نظر به اهمیت مشخص شدن جایگاه عدالت در این الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ارزش نتایج حاصله را به خوبی مشهود می سازد. ناگفته پیداست که اهمیت این موضوع جهت تدوین الگو به قدری است که در صورت عدم پاسخ روشن به این سوال که در صورت تراحم بین عدالت و توسعه کدامیک را بر دیگری باید مقدم کرد نمی توان چشم انداز روشنی جهت مسیر پیشرفت در نظر گرفت.

۱-۳. اهداف پژوهش

در این پژوهش در صدد برخواهیم آمد تا جایگاه عدالت را در نظریه توسعه از دیدگاه اسلام و لیبرالیسم مقایسه نمائیم. در این مقایسه بر نظریات حضرت امام خمینی (ره) به عنوان نماینده دیدگاه اسلامی تکیه خواهیم نمود و آن را با نظریات مطرح در مکتب لیبرالیسم برابری طلب به عنوان یک شاخه از لیبرالیسم و جان رالز به عنوان نماینده اصلی این دیدگاه مقایسه خواهیم نمود.

۱-۴. سوابق و ادبیات تحقیق

در صورت جستجو در میان منابع موجود در خصوص عدالت و توسعه به چندین کتاب و مقاله در موضوعات مرتبط برخورد خواهیم نمود که اهم آن ها شامل موضوعاتی از قبیل جایگاه عدالت در نظام اقتصادی اسلام، توسعه در اسلام، توسعه عدالت محور و غیره می باشد، که در قسمت منابع و مآخذ به آن ها اشاره خواهد گردید، اما در این خصوص به کمتر تحقیقی برخورد خواهیم نمود که به صورت مقایسه ای نسبت بین عدالت و توسعه را در اسلام و لیبرالیسم مورد بررسی قرار داده باشد. در کتاب دین و توسعه که شامل مجموعه مقالاتی در خصوص توسعه می باشد به مقاله ای به قلم دکتر محمد منصورنژاد برخورد خواهیم خورد که در آن به صورت بسیار مختصر به مقایسه نسبت بین توسعه و عدالت در سه گفتمان لیبرالیسم، سوسیالیسم و اسلام پرداخته است، لکن مقایسه تطبیقی صورت نگرفته و به بیان نظریات این سه گفتمان به طور مختصر بسنده شده است. همچنین در این مقاله در بحث از نظریه اسلام صرفاً به نظریات استاد شهید مرتضی مطهری بسنده گردیده است. دو اثر ارزشمند دکتر احمد واعظی با عنوان «نقد و بررسی نظریه های عدالت» و همچنین «جان رالز، از نظریه عدالت تا لیبرالیسم سیاسی» آثاری است که به نظریات مطرح در خصوص عدالت و همچنین دیدگاه های رالز پرداخته است. «اسلام و توسعه» نوشته علی اخترشهر نیز اثر دیگری است که به مقایسه دیدگاه اسلام و غرب در خصوص توسعه پرداخته است. منابع مورد اشاره هیچکدام به این سوال به طور روشن پاسخ نداده اند که در صورت تراحم بین توسعه و عدالت در دو مکتب اسلام و لیبرالیسم کدامیک را بر دیگری باید مقدم دانست؟ لذا نیاز به انجام تحقیق در این خصوص با گستردگی بیشتر و به صورت خاص تر که موضوع مقایسه تطبیقی نظریات امام خمینی (ره) و جان رالز پرداخته باشد، احساس می گردد.

جستجوی یک ادبیات مشترک در دو مکتب اسلام و لیبرالیسم جهت پرداختن همزمان به موضوعات عدالت و پیشرفت تمهیدی است که از آن می توان به عنوان روشی در انجام تحقیق بهره گرفت. لذا توسعه را در معنا و کاربرد جدید آن در ادبیات لیبرالیسی که اشاره به توسعه منابع انسانی و سرمایه های اجتماعی دارد می توان نزدیک تر از همه تعاریف با تعریف مورد پذیرش اسلام دانست، و منظور ما در این تحقیق از

عدالت، عدالت توزیعی خواهد بود که در متن تحقیق به آن خواهیم پرداخت. وجود این ادبیات مشترک این مقایسه را برای ما ممکن می سازد.

۱-۵. سوال اصلی

این پژوهش در واقع به پاسخ این سوال می پردازد که «نسبت بین عدالت و توسعه در دیدگاه اسلام و لیبرالیسم به چه صورت است؟» و یا اینکه «در صورت وجود تزاخم بین عدالت و توسعه، هر یک از دو مکتب اسلام و لیبرالیسم چگونه به رفع این تزاخم می پردازند؟»

۱-۶. فرضیه

با توجه به اینکه در اسلام عدالت روح توسعه و هدف و منظور اصلی از تحقق آن است وجود تزاخم بین عدالت و توسعه نمی توان متصور بود، اما در لیبرالیسم، عدالت از درجه دوم اهمیت برخوردار است.

۱-۷. عملیاتی کردن مفاهیم

اسلام: منظور ما از اسلام در این تحقیق اشاره به کتاب مقدس قرآن و روایات اهل بیت (علیهم السلام) است که برداشت امام خمینی (ره) به عنوان یک فقیه شیعی از منابع مذکور را با توجه به تالیفات و سخنرانی ایشان محور قرار خواهیم داد و سعی خواهیم داشت با بهره گیری از تحقیقات صورت گرفته نظریات ایشان را در خصوص عدالت و نسبت بین دو استخراج نماییم.

لیبرالیسم: از آن جا که اندیشه لیبرالیسم از جهات گوناگون قابل طبقه بندی است، اگر بخواهیم این اندیشه را با توجه به رویکرد آن نسبت به موضوع عدالت طبقه بندی کنیم باید به دو رویکرد عمده «لیبرالیسم برابری طلب» و «اختیارگرایی» اشاره نماییم. «لیبرالیسم برابری طلب» همان طور که از نام آن پیداست قرائتی از لیبرالیسم است که در آن اهمیت ویژه ای به برابری داده شده است. این رویکرد که در زمره رویکردهای مهم لیبرالیسم قرار می گیرد دارای نمایندگانی است که از آن میان می توان به جان رالز به عنوان سرشناس ترین آن ها اشاره نمود.

«اختیارگرایی» نیز طرح مجدد اندیشه لیبرالیسم کلاسیک در قالبی نو می باشد که «فردریک هایک» و «رابرت نوزیک» دو اندیشمندی هستند که نظراتشان به نمایندگی از دو گروه نسبتاً متمایز در میان اختیارگرایان مطرح می باشد.

در این تحقیق ما رویکرد لیبرالیسم برابری طلب را که مدعی عادلانه ترین رویکرد لیبرالیسم است را محور بحث قرار داده و به نظریات جان رالز به عنوان نماینده این دو رویکرد خواهیم پرداخت و سعی خواهیم کرد با کمک تحقیقات صورت گرفته از لا به لای فلسفه سیاسی این اندیشمند، دیدگاه نامبرده را در مورد یک جامعه توسعه یافته بیرون آورده و به نسبت عدالت و توسعه در این جامعه پردازیم.

توسعه: توسعه خود مفهومی است که از ابتدای به کارگیری آن در ادبیات سیاسی و اقتصادی تا کنون مراحل مختلفی پشت سر گذاشته و در یک سیر تحول مفهومی قرار گرفته است طوری که، هر تعریف جدید آن به این مفهوم توسعه بخشیده و هم اینک خود حوزه وسیعی را در بر گرفته است و ابعاد گوناگونی یافته که به طور مبسوط در خلال تحقیق به آن خواهیم پرداخت. اما آنچه اهمیت دارد این است که ما در این پژوهش از روزآمدترین تعریف این اصطلاح که همان توسعه انسانی با تکیه بر سرمایه های اجتماعی بهره خواهیم برد، چرا که این تعریف را می توان تعریفی قلمداد نمود که از یک سو نسبت به سایر تعاریف دیگر پذیرفتنی تر بوده و از سوی دیگر دارای مؤلفه های مشترکی نسبتاً بیشتری با مفهوم پیشرفت در مکتب اسلام دارد و وجود این ادبیات مشترک امکان مقایسه را فراهم خواهد آورد.

عدالت: عدالت نیز همچون توسعه واژه ای است که از آن تعبیر مختلف و تعاریف فراوان به عمل آمده است و به صورت های گوناگون طبقه بندی گردیده است. در این پژوهش، طبقه بندی عدالت را به دو طبقه عدالت اجرایی و توزیعی ملاک عمل قرار داده و عدالت توزیعی را به عنوان یک قسم از عدالت برمی گزینیم که در لا به لای پژوهش معنای آن را روشن خواهیم ساخت. عدالت توزیعی اعم از عدالت اقتصادی بوده که خود دارای اهمیت ویژه ای است و ما این بعد از عدالت توزیعی را بیشتر مدنظر خواهیم داد.

۸-۱. ابزار گردآوری

ابزار گردآوری این رساله کتابخانه ای و روش تحقیق در این پژوهش «تحلیل محتوا» می باشد.

۹-۱. سازماندهی تحقیق

این تحقیق در شش فصل سازماندهی شده است، در فصل اول طرح تحقیق مطرح شده و کلیاتی در خصوص این طرح از قبیل اهمیت، اهداف، سوابق، سوال، فرضیه، مفاهیم و ابزار گردآوری تشریح گردیده است. چارچوب نظری طرح در فصل های دوم و سوم آورده شده است در فصل دوم پس از ذکر تعریف و اقسام عدالت، نظریه های مطرح در خصوص عدالت بحث گردیده است و در فصل سوم، تعریف توسعه، سیر تحول مفهومی توسعه، ابعاد توسعه، دسته بندی رویکردها و کلیاتی در خصوص الگوهای توسعه مطرح شده

است. در فصل چهارم دیدگاه های اسلامی در خصوص عدالت و توسعه و همچنین نظریات حضرت امام خمینی(ره) در این موارد به طور مبسوط تشریح شده است و الگوی نیازهای اساسی به عنوان الگویی نزدیک به دیدگاه ایشان تلقی گردیده است، در فصل بعد، ضمن تعریف و تقسیم بندی لیبرالیسم، روش و نظریه رالز در خصوص عدالت مطرح و مبانی توسعه در لیبرالیسم به بحث گرفته شده و در نهایت در فصل پایانی ضمن مقایسه دو دیدگاه در مبانی و همچنین در حوزه های عدالت ، توسعه و نسبت بین آن دو، به نتیجه گیری نهایی پرداخته شده است.

فصل دوم

چارچوب نظری تحقیق